

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال سوم، شماره نهم، پاییز ۱۳۹۷

بررسی نسخ خطی الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المجردة

الملكو تية و انتساب آن به شهرزوری^۱

ادريس محمود^۲

دانشجوی دکتری فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه تهران

دکتر نادیا مفتونی^۳

دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه تهران

دکتر حسن ابراهیمی^۴

دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه تهران

چکیده

شمس‌الدین محمد شهرزوری اثری دارد که در نسخه‌شناسی‌ها با نام‌های الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المجردة الملکو تية، الرموز والامثال و الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المحمودة الملکو تية في معرفة النفس والروح معرفی شده است. این اثر شهرزوری متعلق به رموز و کشفیات شهرزوری است که کم‌وبیش از آرای شیخ شهاب‌الدین سهروردی مؤسس فلسفه اشراق درباره نفس و روح و بدن و نور و جز آن پیروی کرده است. می‌توان گفت شهرزوری در بیشتر این مسائل از اندیشه شیخ اشراق در برابر فیلسوفان مشائی پاسخ گفته و

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۱۲

۱ تاریخ وصول: ۹۷/۳/۸

۲ edrismahmudlahut@gmail.com

۳ nadia.maftouni@ut.ac.ir

۴ ebrahim@ut.ac.ir

به دفاع پرداخته است. در کتاب *الرموز والامثال*، شیوه نگارش شهرزوری و اندیشه‌های که بیان کرده کاملاً اشراقی است. نویسندگان این کتاب را بر پایه نسخه‌های خطی اسکوریال ۶۹۶، مجلس شورای اسلامی ۱۹۵۷۳، شهید علی پاشا ۱۲۰۵، محمد بن سعود ۹۲۷ که در قرن هفت هجری کتابت شده‌اند، به شیوه گزینشی تصحیح کرده و به ادله انتساب آن‌ها به شهرزوری پرداخته‌اند.

واژه‌های کلیدی

شمس‌الدین شهرزوری، کتاب *الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المجردة الملكوتية*، مکتب اشراق، نسخه‌شناسی.

۱. مقدمه

بر پایه پژوهش‌هایی که محققان زیست‌نگاشت و کتابت‌شناخت از شمس‌الدین محمد بن محمود شهرزوری، فیلسوف، حکیم، متأله، منطق‌دان و تاریخ‌نویس پرآوازه جهان اسلامی انجام داده‌اند، وی یکی از فیلسوفان بزرگ قرن هفتم هجری است؛ هرچند درباره زندگی او تاکنون اطلاعات روشنی به دست نیامده. بنا به قول برخی از محققان، از جمله هانری کربن، تقریباً شرح حال این فیلسوف به کلی مجهول است (کربن، ۱۳۷۱: ۲۸۹). شهرزوری به‌رغم اینکه کتابی مفصل موسوم به *تاریخ‌الحکما* نوشته (شهرزوری، ۲۰۰۷م) لکن کسی شرح حال وی را ثبت نکرده است. مصحح *رسائل الشجرة الالهية* در مقدمه این کتاب درباره زندگی شهرزوری نکاتی را آورده تا نشان دهد شهرزوری در چه تاریخی زیسته و کتاب‌های خویش از جمله رسائل را در چه زمانی نوشته است؛ وی می‌گوید: «شهرزوری در رساله سوم تصریح کرده که به سال ۶۷۸ق به نوشتن رسائل اشتغال داشته است و از آنچه در آخر رساله پنجم نسخه ترکیه از قول مؤلف نقل شده، برمی‌آید که وی در ۶۸۰ق *رسائل الشجرة*

الالهية را به پایان رسانده است پس در حدود دهه ۶۸۷ می زیسته است» (شهرزوری، ۱۳۹۳: ج ۱، ۲۶-۲۷). برخی گفته‌اند شهرزوری در حدود ۶۸۰ هجری یا ۱۲۸۱ میلادی فوت کرده است^۱ (کربن، ۱۳۷۱: ۲۳۸). وقتی سهروردی در قلعه حلب زندانی شده، شاگردی جوان به نام شمس‌الدین مصاحب او بوده اما بنا به قول کربن نمی‌توان آن را شمس‌الدین شهرزوری دانست؛ به‌ویژه اگر وی چنان‌که به نظر می‌رسد، در ثلث آخر قرن هفتم هجری یا سیزدهم میلادی در گذشته باشد (همان: ۲۸۹). با اینکه بعد از سهروردی دیگران هم شرح *حکمة الاشراق* را کرده‌اند، شهرزوری نخستین شارح *حکمة الاشراق* شیخ محسوب می‌شود و هر یک از این کمونه و قطب‌الدین شیرازی از جانشینان او بوده‌اند و به طرز مستوفایی از او استفاده کرده‌اند (همان: ۲۸۹). ضیاء‌الدین درّی صاحب کتاب *کنز الحکمة* در این مورد سخنانی از ملا شمس - از اجله شاگردان میر محمدباقر - نقل می‌کند و ثابت می‌کند که به‌علت اشتباه و نامعلوم بودن تاریخ وفات شهرزوری نزد برخی از علما این کمونه را اقدام بر شهرزوری دانسته‌اند، اما بعد از اعاده نظر بر ملا شمس معلوم می‌شود که شهرزوری اقدام است و دیگران از او نقل کرده‌اند (نک: درّی، ۱۳۱۶: ۱۰-۱۲).^۲ به نظر می‌رسد که شهرزوری در ایران و عراق و ترکیه^۳ سفر علمی داشته است اما اطلاع دقیقی در این باره در دسترس نیست. شهرزوری به‌علت اظهار اخلاص نسبت به شیخ اشراق^۴ از اولین چهره‌های شاخص مکتب اشراق محسوب شده و در سامان دادن به مکتب اشراق مشهور گردیده است (کربن، ۱۳۷۱: ۲۸۸). چون شهرزور بنا به قول مورخان از اربیل تا همدان امتداد داشته (یاقوت الحموی، ۱۹۷۷م: ۳۷۶)، می‌توان حدس زد که شهرزوری برای تحصیل علوم به شهرهای اربیل و موصل و همدان سفر کرده باشد.

آثار شهرزوری نثر روان و رسا دارند و با قلم اشراقی نوشته شده‌اند، بدین سبب پیروان زیادی را به مکتب اشراق جذب کرده است، طوری که نام ایشان همتای نام سهروردی شده و شهرت شرح شهرزوری بر کتاب *حکمة الاشراق* سهروردی نه‌تنها کمتر از خود کتاب

نیست بلکه با آن برابری می‌کند. از شهرزوری آثار گوناگونی به ما رسیده، یکی از نوشته‌های مهم او که تاکنون تصحیح و منتشر نشده، کتاب *الرموز والامثال اللاهوتية فى الانوار المجردة الملكوتية* است.

۲. نام کتاب

در فهرست برخی از کتاب‌های تاریخی، نام کتاب *الرموز والامثال، الرموز والامثال اللاهوتية فى الانوار المحمودة الملكوتية فى معرفة النفس والروح و الرموز والامثال اللاهوتية فى الانوار المجردة الكونية* آمده است؛ اما نام و عنوان اصلی و قابل اعتماد این کتاب بر پایه یافته‌ها و *الرموز والامثال اللاهوتية فى الانوار المجردة الملكوتية* است. به علاوه اینکه در اکثر نسخه‌ها و در خود کتاب، اسم کتاب بدین قرار آمده است: *الرموز والامثال اللاهوتية فى الانوار المجردة الملكوتية*. حاج خلیفه در *كشف الظنون* (۱۳۸۹: ج ۱، ۹۱۳) و اسماعیل پاشای بغدادی در *هدية العارفين* (بی تا: ج ۲، ۱۳۶) و محمد معین در *فرهنگش* (۱۳۶۴: ج ۵، ۹۳۹) از شهرزوری و کتاب او یاد کرده و در این مورد گمانی باقی نگذاشته‌اند.

۳. درون‌مایه کتاب

اهمیت این کتاب نسبت به کتاب‌های دیگر شهرزوری در این است که تنها نوشته فلسفی ذوقی ایشان می‌باشد که در خصوص حقیقت نفس به تفصیل بحث کرده است. شهرزوری در این کتاب، بعضی از دواعی نوفیناغورسیان به مانند مسئله هیکل نور و برخی دیگر از آراء سهروردی را توضیح داده است (کربن، ۱۳۷۱: ۲۸۹). وی در این کتاب، آراء فیلسوفان یونان و مشائیان را می‌آورد و به نقد و تحلیل آنان می‌پردازد. شهرزوری در این کتاب به بررسی مجموعه‌ای از مسائل فلسفی می‌پردازد که از آن‌ها به‌طور کلی برای فهم حقیقت انوار مجرد و تجرد نفس و ماهیت نورانی آن استفاده می‌کند

که این مسئلهها شامل این مباحث می شوند:

١. الحکمة البحثية والحکمة الذوقية.
٢. ماهية النفس و حقيقتها.
٣. عدم معرفة الله والمجردات عن طريق الحس.
٤. عدم تحديد النفس.
٥. فی الجوهرية و أنها امر اشراقی غير معين.
٦. فی التمايز بين المشتركات.
٧. فی معرفة ذات البسيط.
٨. فی ان النفس برزخ الموجودات العلوية والسفلية.
٩. كيفية ضياء النفس و تجردها.
١٠. فی الظهور الشعاعي.
١١. خواص النفس الناطقه.
١٢. عدم انقسام النفس الناطقه.
١٣. فی العقل و شئونه.
١٤. فی ثنائية العالم.
١٥. فی اتحاد الانوار المجردة.
١٦. ظهور المجهولات بالاشراق.
١٧. فی الاتحاد و عدم وقوعه.
١٨. حجب النفس و موانعها.
١٩. جوهر النفس من نوع الجواهر الملكوتيه.
٢٠. فی حواس الخمس التي تدرك بها المحسوسات.
٢١. فی الافعال والانفعالات النفسانية باعتبار البدن وبالنسبة الى ذاتها.

۲۲. فی ان النفس عبارة عن الظهور المحض.
۲۳. متعلق النفس الناطقه.
۲۴. فی ان النفس خارجة عن عالم البدن و قواه.
۲۵. فی ان المجردات ليس لهن الصور الجسميه.
۲۶. دقيقة ذوقيه.
۲۷. فی الاعراض و تفاصيلها.
۲۸. فی ان اشد الظهور للعلة الاولى.
۲۹. فی اطلاق معنى النور المجرد على النفس الناطقه.
۳۰. فی حدوث النفس عند حدوث البدن و انها غير متقدمة عليها.
۳۱. تتمه: فی كيفية ظهور النفس و تعلقها بالبدن عند كماله.
۳۲. خاتمة الكتاب: فی ذكر الشروط الواجبة على الشخص المتفجع بما سطرناه فی هذه الاوراق و كيفية فهمه و تحصيل معانيه.^۵
- بررسی این مفاهیم توأم با ذکر آرا و افکار فیلسوفان پیشین از طرف شهرزوری و نقد وی بر آنان، می‌تواند نشان دهد که وی چه اندازه تسلط فلسفی داشته و تا چند پیرو مکتب اشراق بوده و چه میزان استقلال فکری داشته است. برای نمونه، یکی از مسئله‌هایی که شهرزوری بر آن تأکید ورزیده است، مسئله عدم تحدید نفس بوده که روش تعریف و تحدید آن را چنان‌که در فلسفه مشاء و پیروان ارسطو مشهود بوده، به کلی رد کرده است. آیا این بدان معنا نیست که شهرزوری به جد به برخی مسائل نگرشی نو داشته و تجدید نظری در آن روا داشته است؟ پاسخ هرچه باشد روشن شدن یکی از لایه‌های اندیشه شهرزوری است. روشن است که شهرزوری یک شارح تمام‌عیار مکتب اشراق بوده، اما در حل مسائل، به خصوص مسائل متعلق به نفس‌شناسی، از تمثیل نور استفاده کرده و آن را قضیه بنیادین و کلیدی برای حل مسائل دانسته و یا به قول تربتی به تمثیل نور و حکمت فیثاغورسیان توجه

خاصی داشته است (شهرزوری، ۱۳۸۰: ۲۷).

۴. نسخه‌شناسی

کتاب *الرموز والامثال* بر پایه چهار نسخه زیر تصحیح شده است:

۱-۴. نسخه خطی کتابخانه اسکوریال با رمز «اس» و به شماره ۶۹۶ که به خط نسخ نگاشته شده است. در آخر نسخه، چند صفحه از کتابی دیگر به آن ملحق شده که خیلی خوانا نیست. گاهی در حواشی نسخه، کلماتی تصحیح و عباراتی اضافه شده که بیشتر آن عباراتی است که از طرف ناسخ کتاب قطع یا به اشتباه نوشته شده است.

۲-۴. نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی با رمز «مج» و به شماره ۱۹۵۷۳ موجود است و اصل آن متعلق به کتابخانه عبدالوهاب فرید تنکابنی می‌باشد و بدان با این عبارت اشاره شده: «خریداری از فرید تنکابنی». روی برگ اول نسخه، سه مهر متعلق به کتابخانه تنکابن به چشم می‌خورد و اسم عبدالوهاب فرید تنکابنی هم بر آن نوشته شده است. در زیر تمام برگه‌های نسخه، مهر و لوگوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد.^۶ این نسخه مزین به جلد چرمی مقوایی سیاه و خط نسخ زیبا و کتابت زیبا و خواندنی است و در حواشی برگه‌های این نسخه، تصحیح و تعدیل عبارات قطع شده دیده می‌شود. در صدر برگه اول نسخه نوشته شده است: «دست‌فروش»، پایین‌تر از آن «حکمة اشراق»، سپس شماره نسخه و نام کتاب به چشم می‌خورد. در نام کتاب، الف «ال» در دو کلمه الامثال و الانوار مفقود است؛ یعنی به این شکل: «کتاب الرموز و لامثال اللاهوتية في لانوار المجردة الملكوتية». نام «محمد کرد» در گوشه پایین سمت چپ نام کتاب آمده است.^۷ زیر عنوان کتاب، به صورت مایل سه بیت شعر تحریر شده است که دو بیت آن قابل خواندن و سروده ابونصر بدرالدین مسعود بن ابی‌بکر فراهی، شاعر و لغت‌نامه‌نویس متوفای سال ۶۴۰ هجری قمری درباره نحسی برخی ایام سال است:

«نحس باشد هفت روز اندر مهی زو حذر کن تا نیابی هیچ رنج
سه و پنج و سیزده با شانزده بیست و یک با بیست و چار و بیست و پنج»^۸

یادداشتی هم بدون مهر و اسم کاتب به خط نسخ در حاشیه پایین به چشم می‌خورد که بعید است خط ناسخ کتاب باشد. نویسندگان بر کسانی لعنت فرستاده که سبب شده‌اند خانه پیامبر خراب و زیر و زبر شود و اهل او به قتل برسند و شریعت او نقض شود، الخ.^۹ این یادداشت بدون مهر و اسم کاتب است. از این یادداشت دانسته می‌شود که صاحب یادداشت نگران و بر کسانی لعنت فرستاده است که سبب شده‌اند خانه پیامبر^(ص) را خراب و زیر و زبر کنند و اهل او را به قتل برسانند و شریعت او را نقض کنند، الخ.

روبه‌روی همین یادداشت، دست‌خط دیگری هست با خط نستعلیق و نسخ ناخوانا بدون توقیع و تاریخ، چنین نوشته است: «قرء هذه النسخة الشريفة اللطيفة على المولى الفاضل الكامل سلالة العلماء والحكماء افضل المتعبدين فى عصره مولانا كمال بن احمد... فى سبع مائة سبع وستين .. حرره اثيرين هادى.»

مجموعه صفحات ۱۵۴ صفحه ۱۱ سطرى (به جز صفحه اول) تنظیم شده است. در آخر صفحات نسخه به زمان پایان کتابت آن از طرف ناسخ اشاره شده است که روشن می‌شود کتابت نسخه در شوال ۷۲۹ به اتمام رسیده؛ نوشته بدین قرار است: «تم الكتاب والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين وقع الفراغ من تنميته فى منتصف شوال من سنة تسع و عشرون و سبع مائة.»

در این برگه اخیر هم دو تا مهر کتابخانه فرید تنکابنی دیده می‌شود؛ به علاوه چند سطر نوشتار دیگر که خیلی خواندنی نیست، و اسم منصور (که گمان می‌شود یک کاتب باشد) و یکی چند بیت شعر فارسی و عربی هم نوشته شده تا حدی که توانستیم بخوانیم، چنین نوشته شده است:

بینی و بینک انی حجاب وارفع بلطفک انی فی المبین

دانش ورد در کنار بحر و بین عین الهم و بکر موجب حجاب

۳-۴. نسخه خطی کتابخانه محمد بن سعود با رمز «ش» و به شماره ۹۲۷ که مجموعه‌ای است از چند رساله به خط نسخ. در آن، مهر دانشگاه محمد بن سعود دیده می‌شود، همچنین چند یادداشت که خوب خوانده نمی‌شود؛ این مجموعه مشتمل بر ۴۳ برگ ۲۹ تا ۳۱ سطری است. رساله‌های این مجموعه عبارت‌اند از: «وهذه صورة جواب البيضاوي في الشيخ محي الدين بن العربي قدس الله سره»، «جواب الفيروزيادي في الامام محي الدين قدس سره» و «وهذه رسالة في الروح والنفس للمؤلف ايضا» که به نظر می‌رسد این رساله اخیر نیز متعلق به شمس‌الدین شهرزوری باشد و با همکاری دوست فاضلم آقای جوتیار نریمان کار تصحیح و تنقیح آن به پایان رسیده و اکنون در شرف تحقیق و چاپ شدن است.

۴-۴. نسخه شهید علی پاشا با رمز «ش» و به شماره ۱۲۰۵ که کتابی دیگر هم به آن ملحق شده، به نام کتاب سرور المستجلی لجزو وجوده الکلی که متعلق به ابو عبدالله محمد بن عمر ابن الحسین الرازی است. از شیوه خط معلوم می‌شود که ناسخ هر دو کتاب یکی باشد و خط نسخه هم نسخ است. بر روی برگه‌ها در اول نسخه و آخر آن چند مهر و یادداشت دیده می‌شود که مهر متعلق به شهید علی پاشاست. این مجموعه مشتمل بر ۱۱۲ برگ ۱۵ تا ۲۰ سطری می‌باشد که ۱۰۲ صفحه‌اش به کتاب الرموز اختصاص داده شده است.

۵. روش تصحیح

تاریخ نسخه‌ها به جز نسخه «مج» مشخص نبود؛ به‌علاوه آن نسخه‌های موجود افتادگی و خطایای متعددی داشتند. بنا بر این هیچ‌یک را اصل قرار ندادیم و در تصحیح متن شیوه «گزینشی» را انتخاب کردیم و نسخه‌ای را بر دیگری ترجیح ندادیم. در این کار علاوه بر تطبیق و مقایسه نسخه‌های موجود، از شیوه تصحیح ادبی نیز استفاده کرده، زیرا در برخی از نسخه‌ها و در بسیاری از جاها اشتباهات نحوی و صرفی به چشم می‌خورد که با توجه به

قواعد ادبیات عربی آن دسته از اشکالات را نیز رفع و تصحیح کرده‌ایم. مواردی هست که ضبط هر چهار نسخه خطاست و ما با ذکر آن در پاورقی ضبط صحیح را در متن آورده‌ایم. همچنین مواردی هست متعلق به عناوین بعضی از سرفصل‌های کتاب که ما آن را در یک درون قلاب - تا اینکه مشخص شود از آن نسخه‌ها نبوده است - اضافه کرده‌ایم. در صورت موارد نادر هم که به نظر ما نسخه‌ها افتادگی داشته‌اند و از این رو واژگان یا عباراتی قیاساً درون قلاب افزوده‌ایم. متن را تا حد ممکن اعراب‌گذاری و علامت زده‌ایم و آیاتی یا احادیثی یا اقوالی که درون متن آمده تا حد ممکن آن را ارجاع داده‌ایم.

۶. اصالت سنجی (بررسی صحت انتساب)

ناسخان در آغاز نسخه‌های ت و ش و د و س چنین نوشته‌اند:

در برگ اول نسخه «س» نوشته شده است: «کتاب الرموز والامثال اللاهوتية فى الانوار المجردة الملكوتية للحكيم الالهى و العالم الاشراقى الشيخ شمس الدين محمد الشهرزورى عفى الله عنه.»

در صدر نسخه «ش» هم با خطی قرمز نوشته شده است: «کتاب الرموز والامثال اللاهوتية فى الانوار المجردة الملكوتية للامام العارف بالله المجهول فى الارض المعروف فى السماء نفعنا الله تعالى ببرکته آمين.» در گوشه اول صفحه هم نوشته شده است: فى التصوف.

در صدر نسخه «ت» نیز نوشته شده است: «کتاب الرموز والامثال اللاهوتية فى الانوار المجردة الملكوتية»، بدون اینکه نامی از مؤلف آورده و یا به آن اشاره داده شود.

در صدر نسخه «د» نوشته شده است: «کتاب الرموز والامثال اللاهوتية فى الانوار المجردة الملكوتية للحكيم الالهى و العالم الاشراقى الشيخ شمس الملة والدين محمد السهرورى رحمه الله.» جالب است گویی که ناسخ اسم شهرزوری و سهروردی را با هم آمیخته کرده و اسمی نو از آن اخذ کرده است، با اینکه کارشناسان (نسخه‌شناسان) می‌دانند که شمس الملة والدين لقبی است برای شهرزوری نه سهروردی.

اینک نوبت به این مسئله می‌رسد که چه دلیل یا دلایلی بر صحت این انتساب وجود دارد؟ ما چند دلیل بازشناخته‌ایم:

الف. گواهی برخی از تاریخ‌نگاران

چنان‌که پیش‌تر بدان اشاره شد، هریک از حاج خلیفه و بغدادی و روحانی و معین از شهرزوری و کتاب او یاد کرده و کتاب مزبور را اثر شهرزوری معرفی کرده‌اند. حاج خلیفه در کشف الظنون می‌گوید: «کتاب الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المجردة الملکوتية للحکيم الالهی و العالم الاشرافی الشیخ شمس‌الدین محمد الشهرزوری، اوله العظمة شعارک اللهم والكبرياء دثارک الخ شرحه الشیخ علی بن محمد الشهير بمصنفک المتوفى سنة ۸۷۱ هـ» (حاج خلیفه، ۱۳۸۹: ج ۱، ۹۱۳).

اسماعیل پاشای بغدادی هم در هدیه العارفين گفته است: «شهرزوری شمس‌الدین محمد بن محمود شهرزوری حکیمی است که در سال ۶۸۷ زیسته است. از کتاب‌های وی الرموز والامثال اللاهوتية است که در مجلد بزرگی قرار دارد» (بغدادی، بی‌تا: ج ۲، ۱۳۶).

بابا مردوخ روحانی نیز در کتاب تاریخ مشاهیر کرد می‌گوید: «علامه شمس‌الدین محمد بن محمود شهرزوری از دانشمندان و فلاسفه اسلامی قرن هفتم هجری است و تألیفات زیادی در علوم فلسفه و حکمت و کلام داشته است، از جمله الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المجردة الكونية و شرح تلویحات در حکمت به نام تنقیحات» (روحانی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۹۷).

محمد معین هم بعد از اینکه از شهرزوری و مقام والایش در فلسفه نام برده گفته که شمس‌الدین از خویشاوندان سهروردی بوده و بر تلویحات شیخ اشراق شرح نوشته، سپس می‌گوید: «و نیز کتابی به نام الرموز والامثال اللاهوتية في الانوار المجردة الملکوتية نگاشته که آن را شیخ علی بن محمد مشهور به مصنفک ۸۷۱ ق شرح کرده است» (معین، ۱۳۶۴: ج ۵، ۹۳۹).

ب. دلیل سبک‌شناختی

از مقایسه شیوه نگارش و اسلوب ادبی این کتاب با کتاب‌های دیگر شهرزوری روشن می‌شود که نویسنده آن‌ها یکی است. برای نمونه، شهرزوری مقدمه‌ای بر کتاب شرح حکمة الاشراق دارد که با این کتاب بسیار نزدیک است، و نیز تکیه کلام‌های خاصی دارد مثلاً در شروع مسائل شیوه مخاطبه از عبارت‌هایی چون «اعلم ایدک الله، اعلم ان اللفظ، واعلم ان الجسم» (شهرزوری، ۱۳۸۰: ۴۸ و ۵۶) که این را در این کتاب و کتاب شرح حکمة الاشراق فراوان به چشم می‌خورد. یا شیوه شروع کتاب و مقدمه آن «وقد تحیر فی کنه عظمتک، لک خشعت اسماعنا، تبارکت فی بهاء... و تعالیت فی کبریا الوهیه فردانیتک» (همان: ۱-۲).

ج. دلیل اندیشه‌شناختی

در کتاب الرموز، مباحثی متعلق به انواع انوار مجرده و احاطه آن‌ها بر انوار عارضه طرح شده است که این مطالب را در شرح حکمة الاشراق و به‌خصوص در قسم دوم متعلق به انوار عالی و سافل و... می‌توان دید (همان: ۳۵۱)؛ حتی نه فقط توافق فکری را می‌توان لحاظ کرد بلکه تشابه لفظی بسیار نزدیکی را هم می‌توان دید. برای مثال شهرزوری در کتاب الرموز می‌گوید: «اعلم ان النور الاضعف لایمکن ان یحیط بالنور الاقوی علما و معرفة ولكن النور الاضعف اذا کان جوهرها له شعور بذاته المجردة... ان النور کله حقیقة واحدة لا تختلف الا بالاشدیه والاضغفیه وانوار العالم الجسمانی اعراض لا تقوم بانفسها... واعلم ان جمیع الانوار الالهیه المنبعثة عن المبدأ الاول مرتبة فی النزول، وکلما کان النور اعلى مرتبة من مراتب العلل کان اتم واکمل واشد واقوی وکلما بعد فی مراتب المعلولیه کان اضعف وانقص حتی ینتهی النقص الی انوار لا تقوم بانفسها...»

در شرح حکمة الاشراق هم چنین آمده است: «النور السافل لا یحیط بالنور العالی، فان النور العالی یقهره اما لیس لا یشاهده... فنور الانوار له قهر بالنسبة الی ما سواه... کل نور مجرد سافل فی المرتبة فانه لا یحیط بالنور المجرد العالی فی المرتبة العلیة، فان النور العالی لشدة نوریه وضعف نوریه السافل یقهره ویغلبه... وکل نور عالی فی المرتبة یشرق علی کل

ما تحته في المرتبة؛ وكل نور سافل في المرتبة يقبل الشعاع النوري ما فوقه مرتبة مرتبة...» (همان: ۳۵۱-۳۶۳).

پی نوشت‌ها

۱. اگر این نظر را قبول داشته باشیم، تاریخ وفات شهرزوری با تاریخ وفات ابن خلکان متوفای ۱۲۸۲م یک سال تفاوت دارد.

۲. ضیاءالدین در کنزالحکمة می‌گوید: «من در کتاب تذکرة النوادر - در خصوص کتب خطی که دارای اهمیت است و اما هنوز به طبع نرسیده - دیدم که نوشته بود شهرزوری صاحب کتاب تاریخ/الحکما از مشاهیر علمای قرن هشتم هجری است و اما مرحوم ملا محمد جیلانی معروف به ملا شمس که از اجلة شاگردان مرحوم میر محمدباقر داماد است و از حکمای قرن یازدهم هجری است، در رساله اثبات حدوث عالم می‌نویسد: استاد من فرمودند که بر تلویحات شیخ مقتول دو شرح نوشته شده، یکی تألیف ابن کمونه یهودی و یکی تألیف شمس‌الدین محمد شهرزوری که از اقارب شیخ مقتول بوده، اما حکمة‌الاشراق را فقط قطب‌الدین شیرازی شرح کرده. بعد در حاشیه همان رساله می‌نویسد: پس از چندی بر من معلوم شد که استاد در این مطلب اشتباه نموده تلویحات را فقط ابن کمونه شرح نموده و شرح شهرزوری بر حکمة‌الاشراق است، غالب عبارات علامه شیرازی مأخوذ از شرح شهرزوری است (نک: دری، ۱۳۱۶: ۱۰-۱۲).

۳. وی در اواخر جلد دوم کتاب رسائل به یکی از سفرهای خود به شهر انطاکیه ترکیه اشاره می‌کند که بر لب دریای عین حلوة، ماهی زامورا را مشاهده کرده و با او انس گرفته است (نک: شهرزوری، ۱۳۹۳: ج ۲، ۵۵۱-۵۵۲).

۴. ضیاءالدین دری می‌گوید: «شهرزوری مرتبه شیخ را بعد از مرتبه امامت و نبوت می‌داند. سهوردی و شهرزوری هر دو در عقیده شافعی مذهب بوده‌اند. هر دو ادعای اتصال به عالم ملکوت و عقل فعال کرده‌اند (نک: دری، ۱۳۱۶: ۹-۱۰).

۵. قابل ذکر است که این اثر فاقد فهرست است و فهرست کردن این مسائل از ماست؛ هرچند روشن است که آن را از درون مباحث کتاب اخذ کرده‌ایم و تقسیم مباحث کتاب و نیز برخی

عناوین آن متعلق به خود شهرزوری است.

۶. به نظر می‌رسد کاتب این نسخه شیخ علی بن محمد مصنفک باشد. البته ما در این مورد تردید داریم، اما حاج خلیفه تصریح دارد که شیخ علی مصنفک شارح کتاب الرموز والامثال اللاهوتية شهرزوری است (حاج خلیفه، ۱۳۸۹: ج ۱، ۹۱۳)؛ شرحی که دسترسی به آن می‌تواند حائز اهمیت بسیاری برای نسخه‌شناسان باشد، اما تاکنون یافت نشده است.

۷. خالی از لطف نیست که بدانیم شهرزور شامل مناطق کردنشین بوده است و در زمان حیات شمس‌الدین محمد شهرزوری از اربیل تا همدان امتداد داشته است (یاقوت الحموی، ۱۹۷۷م: ۳۷۶).

۸. البته مصرع نخست در اصل نسخه خطی فراهی چنین آمده: «هفت روز نحس باشد در مهی» (فراهی، ۱۳۶۱: ۳۴) و در نسخه تصحیح مشکور با اندکی تفاوت به این ترتیب آمده: «هفت روزی نحس باشد در مهی» (همان: ۵۸).

۹. «اللهم العنهما فقد اخربا بيت النبوة و الحقا سماءه بارضه و علوه بسفله و شاخصه بخافضه و سنا قتل اهله و ابادة انصاره و اشباعه و نقضا شرعه و هدمه سقفه و ضربا بابه و غضبا سلطاناه و قهرا سداناه و اخليا محضره و شوها منظره و کابرا حقه و ظلما اميره و اضطهدا دينه و قتلا طفله و جرحا شهوده و انتبها ماله و قطع الاختلاف اليه».

منابع

۱. بغدادی، اسماعیل پاشا بن محمد امین بن امیر سلیم (بی‌تا)، هدیة العارفين اسماء المؤلفين و آثار المصنفين، بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
۲. حاج خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۳۸۹)، كشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، مقدمه شهاب‌الدین مرعشی، بیروت: دار احیاء تراث العربی.
۳. درّی، ضیاء‌الدین (۱۳۱۶) کنزالحکمة، ترجمه نزهةالارواح و روضةالافراح، تهران: چاپخانه دانش.

۴. روحانی، بابا مردوخ (۱۳۸۲)، تاریخ مشاهیر کرد، به کوشش محمد ماجد مردوخ روحانی، چ ۲، تهران: نشر سروش.
۵. شهرزوری، شمس‌الدین بن محمد (۱۳۹۳)، رسائل الشجرة الالهية فی علوم الحقائق الربانية، تحقیق، تصحیح و مقدمه نجفقلی حبیبی، چ ۲، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۶. — (۱۳۸۰)، شرح حکمة الاشراق، تصحیح، تحقیق و مقدمه حسین ضیائی تربتی، چ ۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۷. — (۲۰۰۷م)، تاریخ‌الحکماء قبل ظهور الاسلام و بعده نزہة الارواح و روضة الافراح، تحقیق عبدالکریم ابوشویرب، پاریس: دار بیبلیون.
۸. فراهی، ابونصر (۱۳۶۱)، دیوان فراهی، تصحیح محمدجواد مشکور، تهران: اشرفی.
۹. کربن، هانری (۱۳۷۱)، تاریخ فلسفه اسلامی از آغاز تا درگذشت ابن رشد، ترجمه اسدالله مبشری، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۰. معین، محمد (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی معین، چ ۷، تهران: چاپخانه سپهر.
۱۱. یاقوت الحموی، شهاب‌الدین ابی عبدالله (۱۹۷۷م)، معجم البلدان، بیروت: دار الصادر.